

تحلیل پویای نقش سرمایه اجتماعی در فرآیند توسعه: رویکردی بین رشته‌ای

محمدباقر بهشتی*

لیلا نصراللهی و سطلی**

تاریخ دریافت: ۹۴/۹/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۵/۲/۲۹

چکیده

سرمایه اجتماعی از مفاهیم بین رشته‌ای نوینی است که امروزه در بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع مدرن مطرح شده است. مطرح شدن این رویکرد در بسیاری از مباحث توسعه اقتصادی، نشان دهنده اهمیت نقش ساختارها و روابط اجتماعی میان افراد (سرمایه اجتماعی) بر متغیرهای توسعه از همه ابعاد است. هدف این پژوهش تحلیل پویای نقش سرمایه اجتماعی در فرآیند توسعه در جوامع است. این مطالعه بر این موضوع تأکید دارد که وجود سرمایه اجتماعی در یک جامعه می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر توسعه آن جامعه داشته باشد. در این مطالعه تلاش شده است تا با ارائه مدلی دینامیکی،

dbeheshti@gmail.com

leila.nasrolahi@ut.ac.ir

* استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز.

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز. (نویسنده مسئول).

کاربرد تفکر سیستمی و مدل سازی سیستم‌های پویا، به تجزیه و تحلیل پویایی‌های سرمایه اجتماعی پرداخته شود. در این مقاله از یک مدل دینامیکی بهره گرفته شده است. تحلیل سیستم‌های پویا یکی از تکنیک‌هایی است که امکان مدل‌سازی سیستم‌های پیچیده و غیرخطی را فراهم می‌آورد. به علاوه، به منظور درک بهتر روابط مدل، از روش سناریوپردازی استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی از طریق مکانیزمی پیچیده و پویا می‌تواند توسعه را در یک جامعه رقم بزند.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، توسعه، سیستم‌های پویا، سناریوپردازی

۱. مقدمه

سرمایه اجتماعی مفهومی بین رشته‌ای است که در جامعه‌شناسی، اقتصاد، روانشناسی و سایر حوزه‌های اجتماعی کاربرد دارد (رنانی، ۱۳۸۵: ۷۷). امروزه توفیق جوامع را نمی‌توان تنها در انباشت ثروت مادی و تجهیز به آخرین امکانات و فناوری‌ها ارزیابی کرد، زیرا سرمایه مالی، فیزیکی و انسانی بدون سرمایه اجتماعی فاقد کارایی مؤثر است. به عبارت دیگر استفاده بهینه از سرمایه‌های مالی و فیزیکی و انسانی در یک جامعه بدون شبکه روابط متقابل بین اعضای جامعه که توأم با اعتماد، محبت و دوستی و در جهت حفظ ارزش‌ها و هنجارهای جامعه است، امکان پذیر نخواهد بود. اصطلاح سرمایه برای ثروت انباشته (بوژه آنچه برای تولید بیشتر است) به کار می‌رود و کلمه اجتماعی در سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که منابع درون شبکه‌های کسب و کار یا شبکه‌های فردی، دارایی‌های شخصی محسوب نمی‌شوند و هیچ فردی به تنهایی مالک آن‌ها نیست (Weaver and Habibov, 2012: 251). امروزه در حوزه علوم اجتماعی بسیاری از مطالعات نظری و میدانی بحث توسعه را محور قرار داده‌اند و نظریه‌هایی را نیز در راستای رسیدن به توسعه بوژه در کشورهای توسعه نیافته ارائه کرده‌اند. توسعه نیازمند ابزار و الزاماتی است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به داشتن سرمایه اشاره کرد.

۳ تحلیل پویای نقش سرمایه اجتماعی در ...

گاه حتی توسعه را معادل تولید و انباشت سرمایه دانسته‌اند (Gowdy, 1994: 414). در واقع، می‌توان ادعا کرد که توسعه اساساً پیوندی ناگسستنی با سرمایه دارد. کشوری که سرمایه‌های ملی، انسانی، فیزیکی و فرهنگی کمی دارد، کمتر می‌تواند به توسعه دست یابد و این امر از سوی دیگر نیز مطرح است؛ یعنی جامعه‌ای که توسعه کمتری یافته است، از سرمایه‌های کمتری نیز برخوردار خواهد بود. طرح مفهوم سرمایه اجتماعی و مطالعه پیرامون آن، این سؤال را به ذهن متبادر می‌سازد که چه رابطه‌ای بین سرمایه اجتماعی و توسعه وجود دارد. با رویکردی نظری و با توجه به تعاریف و شاخص‌های سرمایه اجتماعی می‌توان به صورت مستدل از این موضوع دفاع کرد که سرمایه اجتماعی در فرآیند توسعه نقش آفرینی می‌کند؛ بدان معنی که بخشی از توسعه سرمایه اجتماعی، معادل است با توسعه در ابعاد مختلف و برعکس بخشی از توسعه در ابعاد مختلف برابر است با توسعه سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن (Woodhouse, 2006: 783). صاحب‌نظران معتقدند که سرمایه اجتماعی یکی از شاخص‌های مهم توسعه اجتماعی به شمار می‌رود. با این حال، به دلیل اهمیت این عامل، نقش عمده آن در فرآیند توسعه جوامع، مورد تأکید این مطالعه است. بدین ترتیب، مطالعه حاضر بر آن است تا با شناسایی مهم‌ترین شاخص‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی، نقش سرمایه اجتماعی در فرآیند توسعه را در قالب یک مدل دینامیکی و نه خطی تحلیل نماید. به طور کلی، مساله اصلی این تحقیق آن است که سرمایه اجتماعی در قالب چه مکانیزمی می‌تواند توسعه را در جوامع تسهیل نماید.

۲. مبانی نظری پژوهش

۱-۲. شاخص‌های اقتصادی توسعه

شاخص‌های اقتصادی توسعه مورد استفاده در این پژوهش عبارت‌اند از: شاخص تولید ناخالص داخلی یا شاخص تولید ناخالص ملی، شاخص درآمد سرانه، و شاخص توزیع درآمد.

الف) تولید ناخالص داخلی (GDP) یا تولید ناخالص ملی (GNP) یا درآمد ملی: یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی توسعه می‌باشد چرا که تولید ناخالص داخلی بیانگر کل ارزش افزوده‌ای است که در یک دوره معین و در یک جامعه حاصل شده است. در واقع، GDP نشان دهنده توان اقتصادی هر جامعه می‌باشد و جامعه‌ای که بتواند ارزش افزوده بیشتری تولید کند آن جامعه از لحاظ اقتصادی قوی‌تر است. هدف شماره یک همه کشورهای جهان، افزایش GDP است. تأثیرگذاری کشورها در سطح جهان و در روابط بین‌المللی متناسب با تولید ناخالص داخلی آن‌ها می‌باشد (بهشتی، ۱۳۸۳: ۲۳-۷۴).

ب) درآمد سرانه^۱: درآمد سرانه از تقسیم درآمد ملی به جمعیت کشور به دست می‌آید و نشانگر میانگین درآمدی است که به شهروندان یک کشور تعلق می‌گیرد. هر قدر میزان درآمد سرانه بیشتر باشد به معنی آن است که سطح رفاه جامعه بالاتر است اما بالا بودن درآمد سرانه به این معنی نیست که رفاه همه مردم بالا می‌باشد زیرا درآمد سرانه از وضعیت توزیع درآمد آحاد مردم اطلاعی به دست نمی‌دهد و بنابراین، از مقایسه درآمد سرانه کشورها می‌توان گفت که میانگین رفاه جامعه‌ای که درآمد سرانه بالاتر دارد، بیشتر است. (بهشتی، ۱۳۸۳: ۲۳-۲۶).

ج) توزیع درآمد: توزیع درآمد یا به صورت توزیع اولیه درآمد است یا توزیع مجدد آن. مراد از توزیع اولیه، توزیع درآمد ایجاد شده بین عوامل تولید (کار، سرمایه و زمین) است و منظور از توزیع مجدد درآمد، دخالت دولت در توزیع اولیه درآمد از طریق اخذ مالیات یا اعطای یارانه است. توزیع متعادل درآمد یکی از شاخص‌های اقتصادی توسعه است که معمولاً آن را با ضریب جینی اندازه می‌گیرند (بهشتی، ۱۳۸۳: ۳۶-۳۹).

1. per capita income

۲-۲. شاخص‌های اجتماعی توسعه

شاخص‌های اجتماعی توسعه که آن را توسعه اجتماعی هم می‌گویند به معنی اخص کلمه، ناظر بر اجتماع جامعه‌ای در مقام یکی از حوزه‌های چهارگانه حیات اجتماعی انسان در هر جامعه و به معنی بسط، تعریض و تحکیم همین اجتماع جامعه‌ای است. شاخص‌های اجتماعی توسعه را می‌توان به شاخص‌های سرمایه اجتماعی، عدالت اجتماعی، امنیت اجتماعی، و جمعیتی تقسیم کرد (Foa, 2010: 540):

الف) عدالت اجتماعی: بدون شک عدم استقرار عدالت اجتماعی در سیاست‌ها، برنامه‌ها و اجرای اهداف توسعه، نقش بسیار مهمی در بازتولید ناهنجاری‌ها، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی و نهایتاً تداوم وابستگی کشورها را به همراه دارد. عدالت اجتماعی و رفع فقر و نابرابری از جمله مهم‌ترین پیش‌نیازهای امکانپذیر شدن مشارکت اجتماعی است.

ب) امنیت اجتماعی: امنیت اجتماعی به قلمروهایی از حفظ حریم فرد مربوط می‌شود که در ارتباط با دیگر افراد جامعه می‌باشد. امنیت اجتماعی، حفظ حریم اجتماعی (عمومی، خصوصی و خانوادگی)، رفع خطرات و استفاده بهینه از فرصت‌ها را شامل شده، به علاوه، در سایه این پایداری می‌توان ارتقاء سطح زندگی اجتماعی را به همراه اتخاذ تدابیری در جهت کسب فرصت‌های زندگی شهروندان ایجاد نمود، و به همراه آن ارزش‌های اجتماعی، احساس ما بودن، و توانمندی‌های اجتماعی شهروندان و را در جهت توسعه پایدار و پیشرفت همه جانبه بسترسازی کرد (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۹).

ج) شاخص‌های جمعیتی: مهم‌ترین شاخص‌های جمعیتی شامل تعداد مطلق جمعیت و رشد آن، ساختار سنی، نسبت جنسی، درصد جمعیت فعال از کل جمعیت، نسبت شهرنشینی، سواد عمومی، سواد بزرگسالان، تعداد سال‌های تحصیل هر فرد، نرخ زاد و ولد و مرگ و میر، نرخ مرگ و میر عمومی و کودکان و نوزادان، و امید به زندگی می‌باشد (بهشتی، ۱۳۸۹: ۴۵).

د) سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی، یکی از مؤلفه‌های اساسی در توسعه و ثبات یک کشور است. بانک جهانی، سرمایه اجتماعی را به عنوان "ثروت نامرئی یک کشور" در نظر می‌گیرد و آن را در برگیرنده نهادها و روابط و هنجارهایی می‌داند که تعاملات اجتماعی را شکل می‌دهند. از نظر بورديو، سرمایه اجتماعی مجموعه منابع واقعی یا مجازی است که به واسطه مزیت پایدار شبکه‌ها و روابط سازمانی مستحکم و شناخت و آگاهی‌های متقابل، به افراد یا گروه‌ها تعلق می‌گیرد. به بیان دیگر، سرمایه اجتماعی برای بورديو آن بستر فرهنگی ناشی از ساخت اجتماعی است که در ارتباط مستقیم با عادات افراد و میدان فرهنگی ناشی از کنش‌های اجتماعی، سازمان یافته و صورتبندی می‌شود (نصرالهی و جلیلود، ۲۰۱۴: ۲۶۱). فرانسیس فوکویاما نیز در تعریف این مفهوم از وجود هنجارها و ارزش‌های غیررسمی در یک گروه سخن می‌گوید. به اعتقاد او، سرمایه اجتماعی را می‌توان به عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است، در آن سهم هستند، مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌شود، چرا که این ارزش‌ها ممکن است ارزش‌های منفی باشد (Woolcock, 2005: 402). به طور کلی، سرمایه اجتماعی ویژگی موجود در ساخت و سازمان اجتماع است که به واسطه آن کم و کیف کنش‌های متقابل درون جامعه سامان یافته و صورت بندی می‌شود. در این تعریف ساخت و سازمان اجتماعی به مجموعه هنجارها، ارتباطات، اعتماد اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، ارزش‌ها و به طور کلی میدان فرهنگی یک جامعه دلالت دارد. کنش اجتماعی نیز بر همکاری، خطرپذیری، معامله و بده بستان، ایجاد پیوند و ارتباط و... دلالت می‌کند. سرمایه اجتماعی از سه بعد اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی تشکیل شده است:

(۱) اعتماد اجتماعی: مفهومی است که در فرایند روابط اجتماعی بین افراد و سازمان‌های اجتماع با همدیگر تبلور می‌یابد. هر چه میزان اعتماد اجتماعی میان افراد

تحلیل بویای نقش سرمایه اجتماعی در ... ۷

و گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی به جامعه بیشتر باشد، به همان میزان روابط اجتماعی از شدت، تنوع، ثبات و پایداری بیشتری برخوردار است. فوکویاما از اعتماد به مثابه شاخصی برای بیان سرمایه اجتماعی در معنای ارزش‌های جمعی شبکه‌های اجتماعی و اخلاق فرهنگی که بنیاد رشد و ثبات اقتصادی را تشکیل می‌دهند، استفاده می‌کند (فیروزآبادی و نصرالهی، ۱۳۹۳: ۱۸۰).

۲) مشارکت اجتماعی: به معنی شرکت فعال و سازمان یافته افراد و گروه‌های اجتماعی در امور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... جامعه است به گونه‌ای که حداکثر قدرت جمعی از طریق بسیج همه امکانات و قوای جمع، حاصل آید، این قدرت جمعی در راستای نیل به مصالح، علایق و منافع جامعه جهت‌گیری شود، از طریق مشارکت همه جانبه افراد و گروه‌های اجتماعی، پیوندها و انسجام اجتماعی استحکام یابد، و امکان بلوغ و شکوفایی استعدادها و تکامل و توسعه فردی و اجتماعی فراهم آید. نظریه‌های مشارکت تلاش دارند چرایی تمایل یا عدم تمایل افراد به مشارکت را تبیین نمایند. در این زمینه دو نوع نظریه وجود دارد: دسته اول، نظریه‌هایی که از دیدگاه شناختی این موضوع را بررسی می‌کنند و ریشه در اندیشه‌های ماکس وبر دارد. فرض بر این است که اگر مشارکت به عنوان یک کنش اجتماعی در نظر گرفته شود، این کنش برخاسته از وجوه فرهنگی هر جامعه است. دسته دوم، دسته دوم نظریه‌ها بر جنبه رفتاری تاکید دارند و به سود و زیان مشارکت می‌پردازند؛ یعنی پاداش‌ها و مجازات‌هایی که در قبال انجام یک رفتار نصیب یک شخص می‌شود تعیین کننده ادامه رفتار او و میزان مشارکت او است (فیروزآبادی و نصرالهی، ۱۳۹۳: ۱۸۰).

۳) انسجام اجتماعی: انسجام اجتماعی به معنای آن است که گروه وحدت خود را حفظ کند و با عناصر وحدت بخش خود، تطابق و هم‌نوایی داشته باشد. همبستگی و انسجام، احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه است که از آگاهی و اراده برخوردار باشند و یک معنای مثبت از آن بر می‌آید که وابستگی متقابل کارکردها، اجزا و یا موجودات در یک کل ساخت یافته را می‌رساند. انسجام در کل ناظر بر میزان و

الگوی رابطه متقابل بین کنشگران، گروه‌ها و خرده فرهنگ‌های تمایز یافته است (فیروزآبادی و نصرالهی، ۱۳۹۳: ۱۸۰).

۲-۳. سهم سرمایه اجتماعی در فرآیند توسعه: چارچوبی نظری برای مطالعه حاضر

به اعتقاد فوکویاما (۲۰۰۱: ۵۴) آگاهی از سرمایه اجتماعی برای درک بهتر فرآیندهای توسعه در جوامع حیاتی است. در یک نظام اجتماعی، تقابل میان کنشگران، پایه و اساس نظام به شمار می‌رود. تقابل در مبادلات دائمی کالا و خدمات بین افراد و گروه‌ها در هر شکل ساده‌ای از یک جامعه دیده می‌شود و این، جامعه را از یک طرف در تولید هنجارهای مشترک، هویت مشترک، اعتماد و اطمینان و از طرف دیگر روابط اقتصادی قوی با یکدیگر متحد می‌سازد. بنابراین، توسعه را باید جریانی چندبعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی و کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است. به اعتقاد فوکویاما (۲۰۰۱: ۵۶) سرمایه اجتماعی، نظامی از ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی را فراهم می‌سازد که به واسطه آن جامعه از فروپاشی اخلاقی و مبتلا شدن به انواع انحرافات اجتماعی مصون می‌ماند و بدین ترتیب سلامت اجتماعی جامعه سبب رشد اقتصادی خواهد شد و این فرآیند به صورت سیکلی عمل می‌کند. پاتنام (۱۹۹۸: ۱۲۸) نیز معتقد است که موفقیت‌های اقتصادی در جوامع دارای روابط خوب، بهتر از جوامعی با روابط ضعیف است. به اعتقاد کلمن (۲۰۰۰: ۲۶۷) تأثیر سرمایه اجتماعی بر سرمایه اقتصادی مستقیم نیست، بلکه سرمایه اجتماعی ابتدا سبب تولید سرمایه انسانی و توسعه سیاسی (یعنی ایجاد نظام‌ها و رژیم‌های سیاسی کارآمد و پاسخگو) شده و سپس از طریق این دو، توسعه اقتصادی را ایجاد می‌کند. توسعه سیاسی، شرایط سیاسی لازم و اساسی برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. بدین ترتیب توسعه سیاسی شامل ایجاد شرایط سیاسی-اداری لازم جهت افزایش میزان کارایی بخش اقتصادی، جامعه مدنی و عناصر و الگوهای فرهنگی می‌باشد، به طوری که شرایط و

جو حاکم سیاسی نه تنها مانع فعالیت‌های نهادهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نباشد، بلکه آن‌ها را به منظور ارتقای میزان کارایی‌شان مساعدت نماید. از سوی دیگر، فرایند رشد و توسعه اقتصادی، تنها پس انداز کردن پول، سرمایه‌گذاری آن در گردآوری ماشین‌آلات بیشتر (سرمایه فیزیکی) مهارت‌های بیشتر (سرمایه انسانی)، و ماشین‌آلات بهتر (پیشرفت فنی) نیست، بلکه این رشد، شامل حفاظت همه جانبه از قانون، کاهش فساد سیاسی و احتمال سرپیچی دولت و مردم از قراردادهای اجتماعی، و ... نیز می‌باشد. تجربیات توسعه بویژه در کشورهای جهان سوم نشان داده که بی‌توجهی به آثار جنبی اولویت توسعه اقتصادی و برخورد تک شاخصی در برنامه‌ریزی‌های توسعه، موجب شده حتی کشورهایی که روند نهادمندتری به نوسازی اقتصادی داشتند، نیز شاهد زوال آشکار سرمایه اجتماعی باشند. فوکویاما (۲۰۰۱: ۱۰) بر این باور است که شبکه‌های روابط متقابل و انسجام اجتماعی، پیش شرط نوسازی اجتماعی-اقتصادی است و نه ثمره آن. در واقع، فوکویاما با ایده علت بودن سرمایه اجتماعی برای هر نوع توسعه‌ای موافق است.

۳. پیشینه تجربی پژوهش

دیندا^۱ (۲۰۱۴: ۴۵) توسعه اقتصادی کشورها را وابسته به سرمایه اجتماعی می‌داند که در برگرفته فرهنگ اجتماعی، هنجارها و قوانینی است که اصلاحات اقتصادی و فعالیت‌های توسعه‌ای را ترویج می‌دهد. سیاست‌هایی که این محقق ارائه داد در چهار بخش قابل تبیین است: (۱) بهبود مصرف مولد که تغذیه مناسب برای تمام اقشار جامعه را فراهم می‌آورد، (۲) جلوگیری از بلوکه شدن اجتماعی و ایجاد مبنایی برای شکل‌گیری سرمایه اجتماعی ارتباطی، (۳) بهبود ثبت نام در مدارس و تقویت احساس در کنار

1. Dinda

هم بودن، و ۴) توسعه نهادها و ظرفیت سازی. شفیعا و شفیعا^۱ (۲۰۱۲: ۶۸) به بررسی رابطه میان توسعه اجتماعی پایدار و سرمایه اجتماعی پرداختند و نشان دادند که رابطه مثبت و معنی داری میان سرمایه اجتماعی و شاخص های توسعه پایدار اجتماعی وجود دارد که عمدتاً ناشی از وجود اعتماد و قدرت شبکه های اجتماعی است. در واقع، اعتماد و پیوستن به شبکه های اجتماعی مهم ترین عناصر سوق یافتن به سوی توسعه اجتماعی پایدار می باشد. به علاوه، عوامل غیررسمی سرمایه اجتماعی می تواند منجر به دستیابی واقعی به توسعه پایدار اجتماعی گردد، در حالی که عوامل رسمی سرمایه اجتماعی منجر به دستیابی بالقوه به توسعه اجتماعی پایدار می گردد. آنچورنا و همکاران^۲ (۲۰۰۸: ۱۱۰) به بررسی تأثیر گره های اجتماعی (شاخصی برای سنجش سرمایه اجتماعی) روی توسعه اقتصادی ۲۷ کشور پرداختند. این محققان نشان دادند که: ۱) ناهمسانی در تعداد گره های اجتماعی می تواند سبب ناهمسانی در درآمد سرانه کشورها شود، ۲) سرمایه اجتماعی می تواند کارایی سرمایه انسانی و یا بهره وری نیروی کار را افزایش دهد، ۳) افزایش در بهره وری حتی می تواند سبب کاهش در رفاه شود و این زمانی اتفاق می افتد که گره های اجتماعی هماهنگ، با هم شکل نگیرند. ساباتینی^۳ (۲۰۰۵: ۳۵۲) نقش سرمایه اجتماعی در توسعه اقتصادی را مورد مطالعه قرار داد. در این مطالعه، بازار نیروی کار، وضعیت بهداشتی، حفاظت اجتماعی و خدمات عمومی بعنوان شاخص های توسعه اقتصادی و سه شاخص پیوندهای خانوادگی، روابط دوستانه و عضویت در سازمان های داوطلبانه بعنوان شاخص های سرمایه اجتماعی مورد بررسی قرار گرفتند. مطالعه ساباتینی نشان داد که عضویت در سازمان های داوطلبانه، دارای تأثیر مثبت و پیوندهای قوی خانوادگی و همچنین روابط دوستانه دارای تأثیر منفی بر عملکرد اقتصادی هستند. حیدری پور و همکاران (۱۳۹۱: ۹۳) معتقدند که رابطه بین

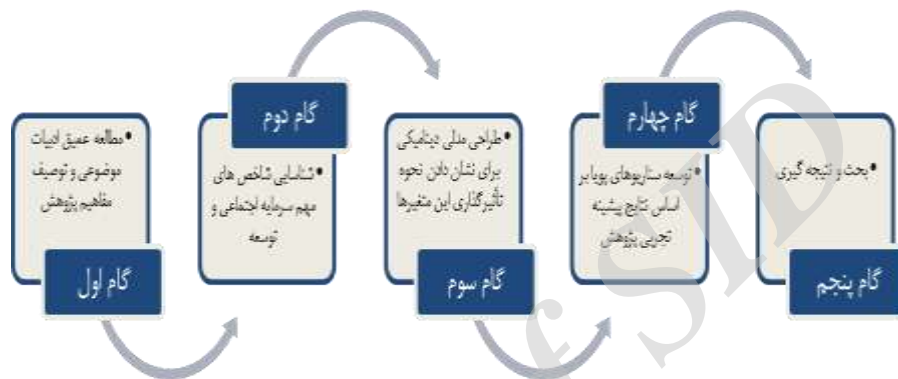
-
1. Shafia and Shafia
 2. Anchorena et al.
 3. Sabatini

سرانه تولید ناخالص داخلی با شاخص درصد زنان در سطح وزارتخانه‌ها، در بین کشورهای با توسعه انسانی بالا، متوسط و پایین؛ حاکی از آن است که تنها در کشورهای با توسعه انسانی بالا رابطه معنی دار و مثبتی بین شاخص توسعه اقتصادی و سرمایه اجتماعی، وجود دارد. قاسمی و همکاران (۱۳۸۹: ۶۷) ادعا می‌کنند که از آنجایی که سرمایه اجتماعی درون گروهی بر اعتماد محدود و خاص تاکید دارد، موجب اختلال سازمانی و فرقه گرایی می‌شود و نتیجه آن عدم توسعه است. در مقابل، سرمایه اجتماعی برون گروهی با گسترش شعاع اعتماد، شکل گیری شبکه‌های روابط اجتماعی و مشارکت افراد در انجمن‌های داوطلبانه به فرایند توسعه اقتصادی کمک می‌کند. مویدفر و همکاران (۱۳۸۸: ۷۹) به بررسی اثر متقابل و پویای سرمایه اجتماعی و شاخص‌های توسعه اقتصادی در ایران و در خلال دوره زمانی (۱۳۶۸-۱۳۸۵) پرداختند. این محققان از سه شاخص سرمایه انسانی، بهداشت و میزان توزیع درآمد برای اندازه گیری توسعه اقتصادی، و از شاخص تعداد چک‌های بانکی پرمخاطره برای سرمایه اجتماعی استفاده کردند. نتایج نشان داد که سطوح بالاتر سرمایه اجتماعی سبب می‌شود که شاخص‌های توسعه بهبود یافته و در ادامه افزایش درجه توسعه یافتگی، خود سبب بهبود و شکل‌گیری روابط جمعی مبتنی بر اعتماد (سرمایه اجتماعی) در جامعه خواهد شد.

۴. روش پژوهش

نوع پژوهش حاضر بر اساس هدف، توسعه‌ای بوده و مدل جدیدی را برای درک بهتر پویایی‌های سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن در قالب یک مدل دینامیکی طراحی و ارائه می‌کند. از سوی دیگر با توجه به قابلیت کاربرد نتایج پژوهش در تدوین سناریوهای مربوط به روندهای توسعه، از نوع کاربردی است. همچنین، روش گردآوری و تحلیل عوامل، مرور ادبیات پژوهشی است. گام‌های پژوهش در شکل شماره (۱) ارائه شده است. به طور کلی، روش گردآوری اطلاعات، روش کتابخانه‌ای می‌باشد. بدین ترتیب

که گردآوری مفاهیم علمی و مرور ادبیات موضوعی و متغیرهای پژوهش از طریق مرور مقاله‌های معتبر مرتبط با موضوع سرمایه اجتماعی و توسعه با استفاده از منابع مکتوب و چاپ شده و منابع قابل اتکا در اینترنت بوده است.



شکل ۱- گام‌های پژوهش

به منظور نشان دادن روابط حاکم میان عوامل شناسایی شده در مرحله مرور ادبیات، از رویکرد پویایی شناسی سیستم بهره گرفته شد. پویایی شناسی سیستم بر مبنای نظریه کنترل^۱ و تئوری مدرن پویایی غیرخطی^۲ بنا شده است؛ یعنی یک پایه ریاضی دقیق برای تئوری و مدل‌ها وجود دارد. همچنین پویایی شناسی سیستم یک ابزار تکنیکی است که مدیران و سیاستگذاران می‌توانند با کمک آن مسائلی را که در سازمان‌ها و جوامع‌شان با آن روبه‌رو هستند را حل کنند. پویایی شناسی سیستم با حداقل استفاده از فرمول‌ها و قواعد ریاضی و بیشتر بر پایه بینش، درک معنوی و تکنیک‌هایی از اندیشیدن، به حل مسائل می‌پردازد. مدل‌های واقعی مخصوصاً در فرآیندهای کسب و کار تقریباً همیشه پیچیدگی و خاصیت غیرخطی دارند و بسیاری از ابزارهای ریاضی موجود نیز محدودیت‌های کاربردی دارند (استرمن، ۱۳۸۶: ۲۵۶).

1. Control Theory
2. Non-linear Dynamics Theory

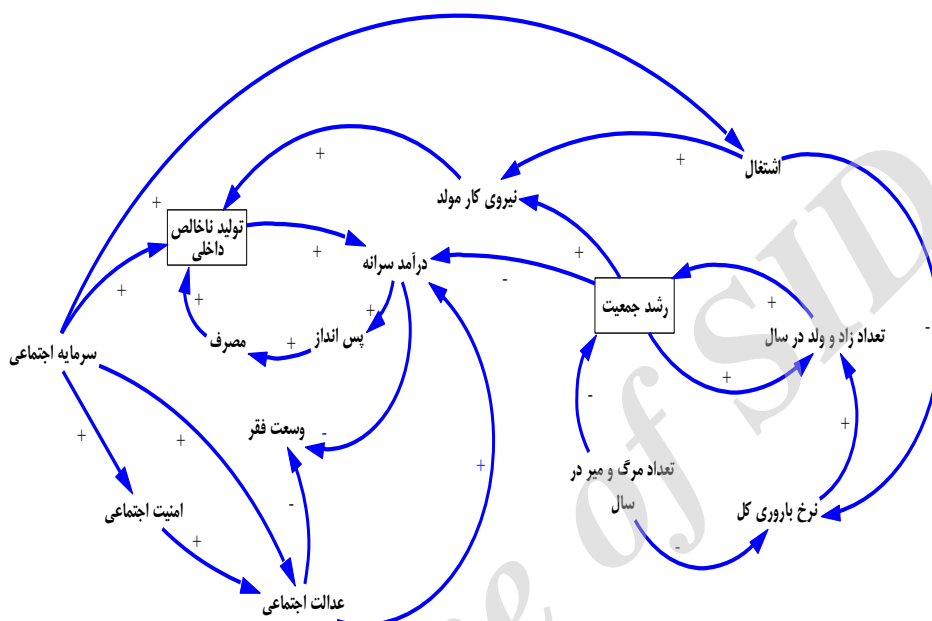
پویایی‌شناسی سیستم این امکان را به ما می‌دهد که زمینه تکنیکی قوی را برای توسعه بینش و درک مفهومی از پیچیدگی و پویایی بکار بگیریم. باید توجه داشت که مدل سازی رفتار انسان از مدل سازی سیستم‌های فیزیکی در مهندسی و علوم متفاوت است. علاوه بر تقویت زمینه قوی برای ریاضیات سیستم‌های پویا و مدل سازی سیستم‌های انسانی، توسعه و گسترش دانش روان‌شناسی، تصمیم‌گیری و رفتار سیستم نیز مورد نیاز است. در واقع پویایی‌شناسی سیستم روش مدل‌سازی ماهرانه‌ای است که به درک هر چه بهتر سیستم‌ها به صورت شبیه سازی کامپیوتری، کمک‌های شایانی می‌کند و برای تدوین برنامه‌های استراتژیک، کلان، خرد و میان بخشی ظرفیت و توان بالایی دارد و استفاده از آن منجر به تدوین سیاست‌های اثربخش تر می‌شود و در صورت وجود تنوع زیاد در مؤلفه‌ها و متغیرها، می‌تواند به تبیین، پیش بینی و زیر نظر گرفتن ساختارها و رفتارها پردازد (استرمن، ۱۳۸۶: ۲۵۷). به طور کلی، پویایی‌شناسی سیستم، مجموعه‌ای از ابزارهای مفهومی است که ما را قادر به فهم ساختار و پویایی سیستم‌های پیچیده می‌کند. در این مطالعه، ساز و کارهای تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر متغیرهای توسعه از جمله سیستم‌های پیچیده به شمار می‌رود. رفتارهای چنین سیستم‌های پیچیده‌ای می‌تواند ما را به سوی سناریو رهنمون سازد. سناریو توصیف موقعیت‌های آینده و رویدادهای ممکن در آن موقعیت‌هاست، به گونه‌ای که فرد بتواند از موقعیت کنونی خود به سوی آینده‌های بدیل حرکت کند. سناریوها شیوه‌هایی هستند که نتایج پیش‌بینی‌ها را به صورتی منسجم و متقاعدکننده ارائه می‌کنند. سناریو بر سه مؤلفه استوار است که هر مؤلفه به مهارت‌های متفاوتی نیاز دارد: نخست، جمع‌آوری اطلاعات؛ دوم، تحلیل اطلاعات؛ سوم، مدل سازی آینده. عناصر اصلی یک سناریو را متغیرهای مختلفی تشکیل می‌دهند که مهم‌ترین آن‌ها نیروهای پیشران هستند. نیروهای پیشران دو دسته‌اند: اول آن دسته از نیروهایی که می‌توانند از محیط بر سناریو تأثیر بگذارند؛ مانند نیروهای اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و روندهای فناوری. دسته دیگر فعالیت‌های نهادی هستند؛ مانند انواع سازمان‌های تجاری، احزاب سیاسی،

آژانس‌های دولتی و نهادهای منطقه‌ای و جهانی. به عبارت ساده‌تر، فهم و درک صحیح آینده مستلزم شناسایی نیروهای پیشران کلیدی است. در روش سناریونویسی، آینده‌های بدیل و باورکردنی برای هر موضوع در دست مطالعه به صورت روایت‌هایی تشریح می‌شوند.

۵. توسعه مدل دینامیکی و سناریوهای پژوهش

در مرحله اول پژوهش، ادبیات مربوط به سرمایه اجتماعی و شاخص‌های توسعه مرور شد و متغیرهای سرمایه اجتماعی و شاخص‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی که از دیدگاه صاحب‌نظران حوزه توسعه به عنوان شاخص‌های مهم توسعه اجتماعی و اقتصادی مطرح شده‌اند، استخراج گردید. در این مرحله، عامل مشارکت اجتماعی به عنوان شاخص سرمایه اجتماعی، ۳ عامل به عنوان شاخص‌های مهم توسعه اقتصادی شامل تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه، و سطح اشتغال، و ۳ عامل به عنوان شاخص‌های مهم توسعه اجتماعی شامل عدالت اجتماعی، امنیت اجتماعی، و عوامل جمعیتی شناسایی گردید. در مرحله بعد، روابط علت و معلولی میان این متغیرها در قالب یک مدل دینامیکی و با استفاده از رویکرد پویایی‌شناسی سیستم تحلیل می‌شود. پویایی‌شناسی سیستم روشی برای درک و شناخت انواع مشخصی از مسائل پیچیده در یک سیستم، حل، برنامه ریزی، نظارت و هماهنگی اجزای آن می‌باشد. مسائل موجود در این سیستم از دو ویژگی پویایی و ساختار بازخوردی برخوردارند. بر اساس ویژگی پویایی، ابعاد کمی و کیفی سیستم در طول زمان دستخوش تغییر می‌شود و بر اساس ساختار بازخوردی، سیستم در طول فرایند تحول خود در هر مرحله به مرحله قبل و بعد خود اطلاعاتی را ارائه می‌دهد (حمیدی زاده، ۱۳۷۹، ۳۴). در شکل زیر متغیرهای شناسایی شده با استفاده از مرور ادبیات و نیز روابط علت و معلولی میان این متغیرها بر

اساس پیشینه تجربی پژوهش و با بهره گیری از رویکرد پویایی شناسی سیستم به کمک نرم افزار ونسیم^۱ نشان داده شده است.



شکل ۲- مدل دینامیکی پویایی های سرمایه اجتماعی و توسعه

اگرچه در خصوص نقش سرمایه اجتماعی در فرآیند توسعه، اجماع وجود دارد ولی هیچ گونه توافقی در مورد مکانیزمی که سرمایه اجتماعی بر فرآیند توسعه تأثیر می‌گذارد و یا این که سرمایه اجتماعی به چه صورتی به کار گرفته شده و به طور تجربی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، وجود ندارد. از سوی دیگر، با توجه به عدم قطعیت‌های موجود در محیط، استفاده از روش‌هایی همچون سناریونگاری درک بهتری از پیشران‌های محیطی و روابط علت و معلولی فراهم می‌آورد. در چارچوب مطالعه حاضر دو سناریوی اجتماعی و اقتصادی قابل تبیین است.

1. Vensim software

الف) سناریوی محتمل اول، سناریوی توسعه اقتصادی است. این سناریو با سرمایه اجتماعی، درآمد سرانه، اشتغال، و تولید ناخالص داخلی بروز پیدا می‌کند. در این سناریو، سرمایه اجتماعی در فرآیند توسعه اقتصادی جوامع نقش خواهد داشت. سرمایه اجتماعی با تقویت عنصر مشارکت گروهی و در نتیجه با تسهیل عدم اطمینان در تعاملات پیچیده و کاهش نیاز به ضمانت‌های اجرایی، به وجود آوردن امکان مبادله آسان اطلاعات، افزایش مهارت‌های اجتماعی اعضا، بالابردن درجه مشارکت در گروه‌ها و سازمان‌های مولد، بالا بردن انعطاف و افزایش تعاملات اجزاء نظام اقتصادی و غیره، به بهبود وضعیت اقتصادی کمک شایانی می‌کند (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۴). می‌توان ادعا کرد که سرمایه اجتماعی لازمه رشد اقتصادی جوامع به شمار می‌رود (Okon et al., 2013: 189). به نظر می‌رسد توافق زیادی در مورد مکانیزم‌هایی که از راه آن‌ها سرمایه اجتماعی می‌تواند تأثیر مثبتی بر عملکرد اقتصادی داشته باشد، وجود دارد. مهم‌ترین این مکانیزم‌ها عبارت‌اند از: (Aspin, 2014: 323)

الف) هزینه‌های پایین‌تر تبادلات: این موضوع مربوط به این مشکل کلاسیک است که نمی‌توان به آسانی، تلاش‌ها و فعالیت‌های افراد را تحت نظارت قرار داد و ارتباط دادن بین بازده کاری افراد و دستمزد آن‌ها غیرممکن است. در این شرایط کارکنان انگیزه کمی برای استفاده از تمام توانشان دارند. بنابراین سازمان‌ها مجبورند منابعی را برای نظارت بر کار افراد به کارگیرند و یا زیان بیشتری برای عدم استفاده از این نظارت‌ها بینند. در این رابطه سرمایه اجتماعی می‌تواند با ایجاد تعهد بیشتر، هزینه‌های یادشده را به وسیله افزایش اعتماد، کاهش دهد.

ب) نرخ پایین‌تر جابه‌جایی‌ها: اگر افراد احساس کنند که کارفرمایان با آن‌ها رفتار خوبی دارند، آن‌ها نیز احتمالاً با رفتار منطقی، همان‌گونه رفتار خواهند کرد. بنابراین مهم‌ترین نتیجه این مسئله برای افراد، کاهش جابه‌جایی‌ها و غیبت‌های شغلی است.

ج) تسهیم و جاری کردن دانش و نوآوری: این موضوع شاید از راه ایجاد اعتماد، روابط و هدف‌های مشترک مورد تشویق قرار گیرد. در اصطلاح سرمایه اجتماعی، عامل بسیار مهم سطح و کیفیت تعاملات در جامعه است؛ تا آنجا که افراد از یکدیگر بیاموزند و احساس کنند حق نوآور بودن را دارند و این تا آنجاست که افراد احساس کنند، بخشی از یک تیم هستند. تأثیر چنین موضوعی در سازمان در اصطلاح کارایی نهفته است. تکنیک‌های جدید به سرعت منتشر می‌شوند، ایده‌ها و فعالیت‌های سودمند درک شده و به سرعت مورد قبول واقع می‌شوند و نوآوری توسعه پیدا می‌کند.

د) ریسک‌پذیری: تجربه ریسک‌پذیری و رفتار کارآفرینانه به وسیله روابط مستحکم در یک جامعه، تشویق می‌شود. در اصطلاح سرمایه اجتماعی، این مربوط به گستره‌ای است که در آن افراد احساس می‌کنند برای جامعه خود با ارزش هستند و رفاه آن‌ها برای جامعه مهم است.

ه) بهبود کیفیت ستاده‌ها: نتیجه تسهیل دانش، بهبود همکاری تیمی و تعهد، احتمالاً کیفیت بالاتر تولیدات جامعه خواهد بود که سرمایه اجتماعی این موارد را در بر می‌گیرد. همچنین وقتی افراد احساس کنند که از حمایت جامعه برخوردارند، سطح ستاده‌ها از راه عملکرد بهتر آن‌ها و نقش منفی استرس در عملکرد، کاهش می‌یابد.

افزایش نیروی کار با بهره‌وری بالاتر به معنی وجود افراد بیشتری است که در یک خانواده در کار کردن سهیم می‌شوند و به دنبال آن هم میزان بیشتری از درآمد خانواده پس انداز می‌شود. از آنجایی که پس انداز و سرمایه‌گذاری رابطه مستقیمی با هم دارند با افزایش پس انداز، سرمایه‌گذاری هم افزایش می‌یابد. با افزایش سرمایه‌گذاری، اقتصاد، نیروی کار بیشتری را به خود جذب کرده، بیکاری کاهش پیدا می‌کند، ثروت افراد زیاد شده و افراد توانایی تأمین هزینه‌های بهداشت و سلامت را خواهند داشت (Rupasingha et al., 2000: 150). حال چرخه‌ای به وجود می‌آید که مداومت آن منجر به رشد اقتصادی خواهد شد. رشد اقتصادی جنبه کمی توسعه اقتصادی را نمایان می‌سازد. کمیتی که توسط شاخص‌هایی نظیر درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی و میزان

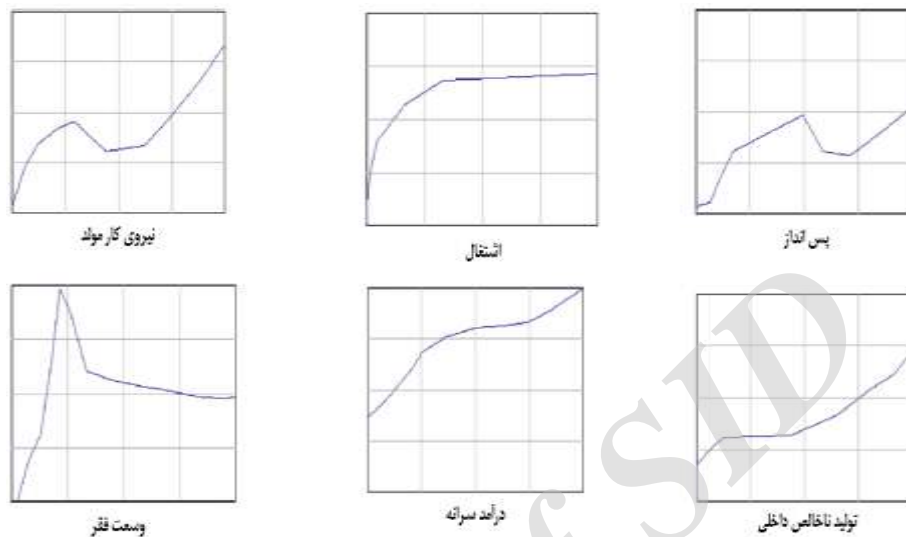
سرمایه‌گذاری نشان داده می‌شود. در یک اقتصاد، سطح بالای اشتغال موجب افزایش درآمد افراد و در نتیجه درآمد ملی و نهایتاً درآمد سرانه کشور می‌گردد. رشد جمعیت از متغیرهایی است که می‌تواند بر درآمد سرانه مؤثر باشد. به عنوان مثال، اگر میزان رشد تولید ناخالص کمتر از میزان رشد جمعیت باشد، طبیعتاً سهم سرانه افراد از آن کم می‌شود. کم شدن سهم سرانه افراد از درآمد ملی در مناطق دارای رشد جمعیت بالا و رشد اقتصادی پائین، افزایش فقر را به همراه خواهد داشت. اشرفی و همکاران (۱۳۹۲: ۳۲) بر این باورند که رشد جمعیت از لحاظ آماری دارای اثرگذاری مثبت و معناداری بر شاخص تولید ناخالص داخلی می‌باشد. هر چند در تعیین رابطه بین رشد اقتصادی و رشد جمعیت مناقشات زیادی وجود دارد، اما چنین بر می‌آید که در کشورهای در حال توسعه و دارای رشد جمعیتی بالا، رابطه بین رشد اقتصادی و رشد جمعیت معکوس باشد.

گوئتز و راپاسینگا^۱ (۲۰۰۷: ۲۵۱) نیز ثابت کردند که سرمایه اجتماعی در کاهش سطح فقر مؤثر است و استراتژی‌هایی مثل بهبود سطح آموزش فقرا و ایجاد مشاغل جدید لزوماً نمی‌تواند کاهش فقر را در جامعه تضمین نماید. در زمینه نقش سرمایه اجتماعی از طریق تشکیل گروه‌های اجتماعی در توزیع درآمد، مطالعه سپردوست و زمانی شبخانه (۱۳۹۲: ۳۹) نشان داد که تقویت سرمایه اجتماعی از طریق تشکیل انجمن‌ها و تعاونی‌ها می‌تواند منجر به بهبود وضعیت توزیع درآمد شود. با افزایش مشارکت از طریق عضویت در تعاونی‌ها، توزیع درآمد به گونه مناسب تری صورت می‌پذیرد. آنچه مسلم است تأثیرگذاری بر تابع مطلوبیت افراد و رفاه جامعه از طریق ایجاد روابط و همکاری، مهم‌ترین شاخصه سرمایه اجتماعی است (Lang and Roessl, 2011: 380). هنگامی که سرمایه اجتماعی بروز می‌یابد، تابع مطلوبیت فرد نه تنها به شرایط خود بلکه به شرایط افراد پیرامون او نیز بستگی پیدا می‌کند و بدین ترتیب، با

1. Goetz and Rupasingha

شکل گیری یک هدف مشترک، فرد به دنبال حداکثرسازی مطلوبیت خود، موجبات حداکثرسازی مطلوبیت جامعه، و برابری بیشتر در توزیع درآمد را نیز فراهم می‌آورد. می‌توان گفت که توسعه سرمایه اجتماعی از طریق ارتقای انگیزه‌های مشارکت طلبی و راه‌اندازی و گسترش دامنه‌های فعالیتی بخش تعاونی منجر به توسعه جوامع و کاهش سطح فقر می‌شود.

مطالعه موسایی و همکاران (۱۳۸۹: ۷۸) بیانگر آن بود که رابطه علی معکوسی بین نرخ باروری و اشتغال (بویژه اشتغال زنان) برقرار است بدین معنا که افزایش در نرخ‌های باروری می‌تواند موجب کم شدن نیروی کار زنان و در نتیجه کاهش مشارکت آنان در نیروی کار شود. از سوی دیگر، با افزایش اشتغال زنان و حضور بیشتر آنان در عرصه‌های اقتصادی، نرخ‌های باروری نیز کاهش خواهد یافت. سرانجام، سرمایه اجتماعی به طور غیرمستقیم بر درآمد سرانه مؤثر می‌باشد. سرمایه اجتماعی با فراهم آوردن نیروی کار اثربخش می‌تواند رشد تولید ناخالص داخلی را افزایش دهد. این افزایش منجر به بهبود درآمد سرانه در یک کشور می‌گردد. با این حال، نتایج مطالعه تجربی حسن (۲۰۱۰: ۲۹۳) نشان می‌دهد که یک رابطه بلندمدت منفی بین درآمد سرانه و جمعیت وجود دارد. رشد جمعیت به عنوان یکی از عمده‌ترین و مؤثرترین عوامل کاهش درآمد سرانه شناخته شده است. اگر چه رشد نامطلوب جمعیت در شرایط عادی موجب فقر است، در عین حال، از همین عامل منفی می‌توان به عنوان عامل مصرف و به تبع آن، به عنوان عامل رشد تولید و شکوفایی اقتصادی بهره جست، مشروط بر این که برای بهره‌گیری از عامل منفی به گونه‌ای سنجیده و مطلوب، اصول و قواعد اقتصادی در جلب سرمایه، اعم از داخلی و خارجی، مورد بهره‌برداری قرارگیرد، چه در غیر این صورت، رشد نامطلوب جمعیت، موجب کاهش رفاه و افزایش فقر عمومی خواهد شد (Glaeser et al., 2002: 442).



شکل ۳- نتیجه ارزیابی سناریوی اول

ب) سناریوی توسعه اجتماعی دومین سناریوی محتمل را تشکیل می‌دهد. این سناریو با محوریت سرمایه اجتماعی، عدالت اجتماعی، امنیت اجتماعی، و رشد جمعیت امکان وقوع دارد. بدین ترتیب که سرمایه اجتماعی می‌تواند توسعه اجتماعی یک جامعه را در پی داشته باشد.

سرمایه اجتماعی نقشی بسیار مهم‌تر از سرمایه‌های فیزیکی و انسانی را در جوامع ایفا می‌کند و شبکه‌های روابط انسجام بخش میان انسان‌ها و سازمان‌هاست. در غیاب سرمایه اجتماعی سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند و بدون سرمایه اجتماعی، پیمودن راه‌های توسعه ناهموار و دشوار می‌شود (Fafchamps, 2007: 727). از جمله اثرات بی‌توجهی به مفهوم سرمایه اجتماعی که در دهه‌های گذشته به وضوح در برخی کشورهای جهان دیده شده است عبارت‌اند از: فروپاشی نهاد خانواده و ناپایدار شدن روابط اجتماعی، کاهش میزان همبستگی اجتماعی، از رونق افتادن فعالیت‌های اقتصادی، گسترش ناهنجاری‌های رفتاری در میان جوانان و نوجوانان و

نامنی در مؤسسه‌های آموزشی، از میان رفتن اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی در بین افراد جامعه که بی توجهی به این موضوع باعث ایجاد اختلال و بی‌نظمی عمومی در جامعه خواهد شد (Iyer et al., 2007: 245). پاتنام^۱ (۲۰۰۲: ۸۲) نشان داد که سطح سرمایه اجتماعی همبستگی شدیدی با برخی از پیامدهای اجتماعی از جمله سطوح پایین تر جرائم خشونت آمیز، سطوح پایین تر مرگ و میر، و سطح تحصیلات بالاتر دارد. کالویس و اشمیت^۲ (۲۰۰۹: ۳۰) دریافتند که سرمایه اجتماعی تأثیری مثبت بر تغییر در جمعیت و اشتغال دارد. مطالعاتی که در زمینه رابطه جمعیت و توسعه صورت گرفته است مبین آن است که رشد جمعیت تا حدودی می‌تواند محرک توسعه باشد. بعد از انقلاب صنعتی، جهان رشد سریع جمعیت را همزمان با دستاوردهای عظیم اقتصادی و اجتماعی تجربه کرده و می‌توان گفت رشد سریع جمعیت و توسعه اقتصادی و اجتماعی مکمل یکدیگر بوده‌اند. در کشورهای صنعتی در قرن نوزدهم رشد جمعیت محرک توسعه بود به این معنی که همزمان با رشد نسبتاً سریع جمعیت، توسعه اجتماعی و اقتصادی نیز مسیر خود را پیمود ولی در کشورهای در حال توسعه رشد جمعیت مانند کشورهای توسعه یافته محرک توسعه نبود و در مواردی نیز باعث ایجاد مشکلاتی برای این کشورها شد (Vanin, 2003: 643). به طور کلی می‌توان گفت در ابتدا رشد جمعیت محرک توسعه است ولی با ارتقاء شاخص‌های توسعه، جامعه پذیرای سطح پایین تری از زاد و ولد می‌گردد در نتیجه رشد جمعیت کاهش می‌یابد. از سوی دیگر صاحب نظران معتقدند مهم‌ترین عاملی که می‌تواند سطح باروری را کنترل کرده و کاهش دهد، توسعه است (Christoforou, 2008: 225). کاهش نرخ رشد جمعیت و بار تکفل سبب می‌شود که درآمد حاصل از رشد بین جمعیت کمتری توزیع گردد. در نتیجه، جمعیت کمتر از رفاه بیشتر برخوردار خواهد شد. همچنین پایین بودن نرخ رشد جمعیت فرصت کافی در اختیار برنامه ریزان قرار

1. Putnam

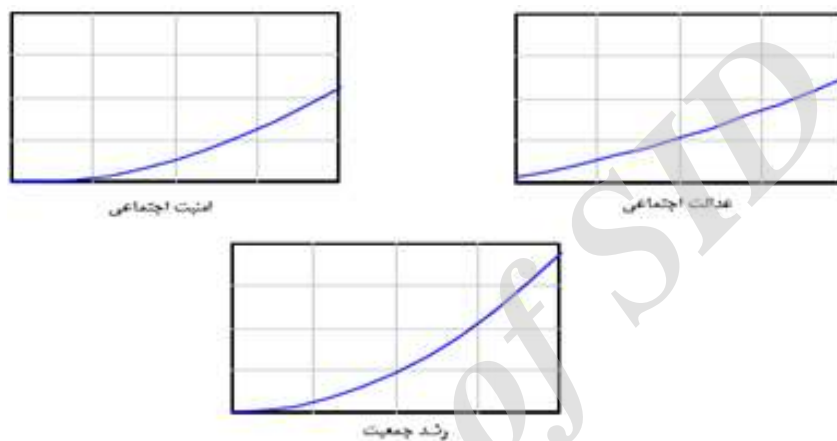
2. Callois and Schmitt

خواهد داد تا امکانات رفاهی را برای تمام جمعیت فراهم نمایند (Sabatini, 2007: 160). جمعیت می‌تواند به عنوان یک عامل مستقل تاثیراتی بر رشد اقتصادی، نیروی انسانی، عرضه منابع، محیط زیست و بهداشت و سلامت داشته باشد. تعداد بالای جمعیت به طور ساده می‌تواند به تعداد بیشتر نیروی کار منجر شود. همچنین رشد بالای جمعیت، افزایش تعداد نیروی انسانی را موجب می‌شود (وولکوک، ۱۹۹۸: ۵۸). اما این‌ها ممکن است همیشه با منفعت اقتصادی همراه نباشند. اگر کشور فقیر و سرمایه و زمین کمیاب باشد، افزایش نیروی انسانی به بیکاری می‌انجامد. بنابراین ساختار و تحولات جمعیت رابطه جمعیت و نیروی انسانی را (به عنوان عامل تولید) تحت تأثیر قرار می‌دهند. در یک جمعیت جوان درصد قابل توجهی از جمعیت، کمتر از ۱۵ سال سن دارند در نتیجه نسبت افراد واقع در سن فعالیت، در مقایسه با یک جمعیت غیرجوان، کمتر خواهد بود. اگر یک جمعیت جوان کاهش باروری و در نتیجه کاهش رشد جمعیتی را تجربه کند، سهم افراد واقع در سن فعالیت افزایش خواهد یافت. ضیایی و همکاران (۱۳۹۰: ۷۷) در بررسی رابطه بین میزان باوری کل با توسعه خاطر نشان کردند که رابطه بین توسعه یافتگی و نرخ زاد و ولد یک رابطه معکوس می‌باشد، یعنی جوامع برخوردار از رفاه و توسعه، شاهد میزان رشد جمعیت کمتری هستند. از سوی دیگر، جمعیت نیازمند وجود بعضی از منابع ضروری نظیر زمین، مواد غذایی، مواد معدنی و مواد انرژی‌زاست. از آنجا که این منابع، همیشه به وفور یافت نمی‌شوند، ایجاد یک رابطه مناسب بین جمعیت و چگونگی مصرف این منابع هدف برنامه‌ریزان است. اگر این منابع تجدیدپذیر و قابل افزایش نباشد، افزایش جمعیت سهم سرانه افراد از این منابع را کاهش می‌دهد. علاوه بر آن، حتی اگر امکان افزایش این موارد وجود داشته باشد، تغییرات در نوع و میزان مصرف آن‌ها، سهم سرانه افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به علاوه، توسعه برای جمعیت‌های کنونی باید طوری طراحی شود که هیچ آسیبی را به زندگی آیندگان وارد نسازد، اصلی که به عنوان توسعه پایدار شناخته می‌شود. باید توجه داشت که توسعه با از بین بردن عوامل بیماری‌زا، موجب کاهش

مرگومیر و در نتیجه افزایش طول عمر انسان‌ها شده است (Gallois and Schmitt, 2005: 26). هر چه نرخ رشد جمعیت کمتر باشد، کیفیت نیروی انسانی بالاتر می‌رود و محصول تولید شده و درآمد حاصل از رشد به شکل عادلانه تری بین جمعیت توزیع می‌گردد (Wang, 2007: 53). افزون بر این، تحقیقات نشان داده که هر چه سرمایه اجتماعی بالاتر باشد، بی‌عدالتی اجتماعی کاهش خواهد یافت. عدالت اجتماعی بر تخصیص منابع و کالاهای کمیاب در میان جمعیت، متمرکز شده است. هر چه توزیع درآمد در یک جامعه عادلانه تر صورت گیرد، میزان توسعه اجتماعی آن جامعه بالاتر است (ربانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۴). یافته‌های ذاکری‌هامانه و همکاران (۱۳۹۱: ۵۵) حکایت از آن دارد که تقویت سرمایه اجتماعی در یک جامعه، بر افزایش احساس امنیت اجتماعی موثر است. سرمایه اجتماعی یکی از عواملی است که نقش بسیار مهم‌تری نسبت به سرمایه فیزیکی و انسانی در جوامع دارد (Field, 2008: 80). ارزش‌های واحد می‌تواند به انسجام اجتماعی کمک کرده و در نتیجه نظم اجتماعی که زیربنای امنیت اجتماعی است را فراهم کند. امنیت در همه زمینه‌ها بدون مشارکت و همیاری مردم و اقشار مختلف جامعه امکان پذیر نمی‌باشد، پس فقدان و یا کاهش سرمایه اجتماعی منجر به بروز معضلات، بحران‌ها و تعارضات متعدد اجتماعی می‌گردد و افزایش مشارکت اجتماعی در بین اعضای جامعه، باعث افزایش احساس امنیت می‌شود. به علاوه، هر چه اعتماد اجتماعی در بین مردم بیشتر باشد احساس امنیت نیز ارتقا خواهد یافت. نیازی و همکاران (۱۳۹۰: ۱۱۰) در مطالعه رابطه سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی دریافتند که انباشت سرمایه اجتماعی از بسیاری از جرائم پیشگیری نموده و به تقویت امنیت اجتماعی می‌انجامد. سولیوان و همکاران^۱ (۲۰۰۸: ۲۶۱) اظهار داشتند که سلامتی زنان و مردان با افزایش مشارکت اجتماعی، افزایش می‌یابد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نرخ مرگ و میر مردمی که شبکه‌های اجتماعی قوی تری

1. Sullivan et al.

دارند، نصف یا یک سوم نرخ مردمی است که ارتباطات ضعیف اجتماعی دارند. خانواده‌های با سرمایه اجتماعی بالا، مصرف سرانه بالاتری دارند. همچنین این خانواده‌ها دارای سرمایه بالاتر، پس انداز بیشتر و سطح اعتبار مطلوب تری هستند.



شکل ۴- نتیجه ارزیابی سناریوی دوم

۶. نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال بود که سرمایه اجتماعی با چه مکانیزمی می‌تواند منجر به رشد و توسعه گردد. در این راستا دو سناریوی توسعه اجتماعی و توسعه اقتصادی در نظر گرفته شد. به منظور شبیه سازی مدل پژوهش، از تکنیک پویایی شناسی سیستم بهره گرفته شد. مطابق با یافته‌ها، سرمایه اجتماعی باعث مشارکت بیشتر افراد در جامعه و در نتیجه افزایش سطح اشتغال و به تبع آن، ایجاد نیروی کار مولد با بهره‌وری بالا می‌شود. این هم‌افزایی در زمینه نیروی کار در نهایت رشد تولید ناخالص داخلی را در یک کشور ایجاد خواهد نمود. با افزایش تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه و پس انداز افراد در جامعه بیشتر می‌شود و پیامدهایی

همچون کاهش فقر در جامعه را به همراه خواهد داشت. بنابراین، سرمایه اجتماعی از طریق مکانیزم یاد شده، سناریوی اول در زمینه توسعه اقتصادی را تحقق می‌بخشد. همچنین، نتایج نشان داد که افزایش سرمایه اجتماعی در یک جامعه می‌تواند منجر به افزایش متغیرهایی همچون امنیت اجتماعی، عدالت اجتماعی، و در نتیجه بهبود کیفیت زندگی افراد در جامعه گردد. به علاوه، هر چه سطح عدالت اجتماعی در جامعه افزایش یابد، دسترسی افراد به خدمات عمومی و در نتیجه کیفیت زندگی نیز بهبود می‌یابد. در چنین شرایطی، کیفیت زندگی از طریق متغیرهایی همچون نرخ باروری (با افزایش آن) و نرخ مرگ و میر (با کاهش آن) سبب رشد جمعیت می‌گردد. که رشد جمعیت نیز به نوبه خود افزایش نیروی کار و در نتیجه تولید ناخالص داخلی را افزایش خواهد داد. بنابراین، سناریوی دوم نیز مبنی بر سرمایه اجتماعی به منزله محرک توسعه اقتصادی، محقق می‌گردد. نکته حائز اهمیت آنکه، توسعه فرایندی چند بعدی است. چنانچه جامعه در یکی از ابعاد، توسعه یابد ولی در سایر جنبه‌ها از لحاظ شاخص‌های توسعه در سطح پایینی قرار داشته باشد، آن جامعه را نمی‌توان توسعه یافته، تلقی کرد. سرمایه اجتماعی را می‌توان از حلقه‌های مفقود شده در فرایند توسعه قلمداد کرد. بنابراین یکی از مؤلفه‌های اصلی و مؤثر بر توسعه، دارا بودن حد لازمی از سرمایه اجتماعی است. اهمیت سرمایه اجتماعی به میزانی است که از آن به عنوان ثروت نامرئی یاد می‌شود. مبحث سرمایه اجتماعی آنچنان گسترده است که شناخت، معرفی و بیان اثرات آن در ثبات، توسعه و پیشرفت جامعه، نیازمند مطالعات دقیق‌تر و بررسی‌های بیشتر است. سرمایه اجتماعی در برگیرنده معانی و مفاهیمی است که اگر به آن توجه شود، می‌تواند توسعه و ثبات یک جامعه را تضمین نماید. شناخت سرمایه‌های اجتماعی در بخش‌های گوناگون و نحوه بهره‌برداری از آنها، وظیفه‌ای است که باید مسئولان و مدیران جامعه با تلاشی بیشتر به آن پردازند و دلایل پایین بودن سرمایه‌های اجتماعی را بیابند و سعی در گسترش، حفظ و توسعه آن داشته باشند؛ چرا که سرمایه اجتماعی، اولاً زیربنای توسعه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هر جامعه است و ثانیاً منبع شکل‌گیری

اساسی گروه‌های اجتماعی محسوب می‌شود؛ گروه‌هایی که توسعه هر جامعه به آنان وابسته است. باید توجه داشت که سرمایه اجتماعی پدیده‌ای مدیریت‌پذیر است؛ به این معنا که می‌توان آن را براساس سیاستگذاری‌ها در حوزه‌های مشخصی در جامعه بازسازی یا به فرایند شکل‌گیری آن کمک کرد. این امر در صورتی ممکن است که سیاستگذاران و مسئولان در یک جامعه، اطلاعات درستی از وضعیت موجود سرمایه اجتماعی در کشور داشته باشند.

منابع

- استرمن، جان. (۱۳۸۶)، *پویایی شناسی سیستم*، ترجمه: کیوان شاهقلیان و دیگران، تهران، انتشارات ترمه
- اشرفی، آتنا؛ یحیی آبادی، ابوالفضل؛ صمدی، سعید. (۱۳۹۲)، تحلیل تأثیر رشد جمعیت و تورم بر رشد اقتصادی در کشورهای گروه D8، *اولین همایش الکترونیکی ملی چشم انداز اقتصاد ایران*، ۲۸ آذرماه ۱۳۹۲.
- آزاد ارمکی، تقی؛ مبارکی، مهدی؛ شهبازی، زهره. (۱۳۹۱)، بررسی و شناسایی شاخص‌های کاربردی توسعه اجتماعی (با استفاده از تکنیک دلفی)، *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی*، سال اول، شماره اول.
- بهشتی، محمدباقر. (۱۳۸۹)، *توسعه اقتصادی ایران*، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تبریز، تبریز.
- حمیدی‌زاده، محمدرضا. (۱۳۸۱)، *پویایی‌های سیستم*، انتشارات مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- حیدری پور، اسفندیار؛ خلیل مقدم، بیژن؛ راست قلم، مهدی. (۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی: تحلیلی بین کشوری، *فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، سال چهارم، شماره دوم.

تحلیل بویای نقش سرمایه اجتماعی در ... ۲۷

- ذاکری هامانه، راضیه؛ افشانی، سیدعلیرضا؛ عسکری ندوشن، عباس. (۱۳۹۱)، بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و میزان احساس امنیت اجتماعی در شهر یزد، سال سیزدهم، شماره ۳.
- ربانی، رسول؛ کلانتری، صمد؛ هاشمیان فر، علی. (۱۳۸۹)، بررسی ارتباط بین عوامل اجتماعی با نابرابری های اجتماع، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال یازدهم، شماره ۴۱.
- رنانی، محسن. (۱۳۸۵)، نقش سرمایه های اجتماعی در توسعه اقتصادی، دریچه، *فصلنامه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی*.
- سپردوست، حمید؛ زمانی شبخانه، صابر. (۱۳۹۲)، نقش سرمایه اجتماعی در توزیع درآمد در مناطق روستایی کشور، *فصلنامه روستا و توسعه*، سال ۱۶، شماره ۱.
- شعبانی، احمد، نخلی، سیدرضا و شیخانی، مصطفی. (۱۳۹۲)، اثر سرمایه اجتماعی بر توسعه انسانی: مطالعه کاربردی مناطق ایران، *فصلنامه برنامه ریزی و بودجه*، سال هجدهم، شماره ۲.
- ضیایی بیگدلی، محمدتقی؛ کلانتری، صمد؛ علیزاده اقدم، محمدباقر. (۱۳۹۰)، رابطه بین میزان باروری کل با توسعه اقتصادی و اجتماعی، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال پنجم، شماره ۲.
- فیروزآبادی، احمد؛ نصرالهی وسطی، لیلا. (۱۳۹۳)، بررسی رابطه میان اعتماد اجتماعی و روحیه کارآفرینی زنان روستایی مطالعه موردی: دهستان شیروان از توابع شهرستان بروجرد، *مجله پژوهش های روستایی*، دوره ۵ شماره ۱.
- قاسمی، وحید؛ آذربایجانی، کریم؛ ادیبی، مهدی؛ توکلی، خالد. (۱۳۸۹)، رابطه سرمایه اجتماعی با توسعه اقتصادی، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، دوره ۱۰، شماره ۳۶.

- موسایی، میثم؛ مهرگان، نادر؛ رضایی، روح الله. (۱۳۸۹)، نرخ باروری و میزان مشارکت زنان در نیروی کار (مطالعه موردی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا)، *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، دوره ۸، شماره ۲.
- مویدفر، رزیتا؛ اکبری، نعمت الله؛ دلیری، حسن. (۱۳۸۸)، اثرات متقابل و پویای سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی، *مطالعات - اقتصاد بین الملل*، سال بیستم، شماره دوم.
- نیازی، محسن؛ شفائی مقدم، الهام؛ شادفر، یاسمن. (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان مناطق شمال (۱ و ۲) و جنوب شهر (۱۹ و ۲۰)، تهران، *فصلنامه جامعه شناسی مطالعات جوانان*، سال دوم، شماره سوم.

- Anchorena, J. and F. Anjos. (2008). *Social Ties and Economic Development*, Working Paper, Electronic Copy Available at: <http://ssrn.com/abstract>.
- Aspin, L. (2004). *Social capital and productivity, teaching and learning research programme*, 5th Annual Conference, 22-24 November 2004, Cardiff Marriott Hotel, pp. 1-34.
- Callois, J.M. and Schmitt, B. (2009). *The role of social capital components on local economic growth: Local cohesion and openness in French rural areas*, Working paper, Montpellier, France.
- Christoforou, A. (2008). *Social Capital and economic growth: The case of Greece*, Paper prepared for the 1st PhD Symposium on Social Science Research in Greece of the Hellenic Observatory, European Institute, London School of Economics. Saturday, 21st of June.

- Cunningham, I. (2002). *Developing human and social capital in organisations*, Industrial and Commercial Training, vol. 34 No. 3, pp. 89-94.
- Dinda, S. (2014), Inclusive growth through creation of human and social capital, *International Journal of Social Economics*, Vol. 41 No. 10, pp.878-895.
- Fafchamps, M. (2007), Development and social capital, Working paper No. GPRG-WPS-007, Global Poverty Research Group, Website: <http://www.gprg.org/>
- Field, J. (2008). *Social capital: Key ideas, In Hamilton*, p. (2nd eds.). The Open University. Milton Keynes. Routledge.
- Foa, R. (2010). Indices of social development, available at: <http://www.indsocdev.org/resources/Indices%20of%20Social%20Development%20Handbook.pdf>
- Fukuyama, F. (2001). *Social capital, civil society and development*, Third World Quarterly, 22:1, 7-20.
- Gallois, J. M. and Schmitt, B. (2005). *Measuring social capital for local economic development studies: The case of French rural areas*, Working paper.
- Glaeser, E. S., Laibson, D. and Sacerdote, B. (2002). An economic approach to social capital, *The Economic Journal*, Vol. 112, pp.437-458.
- Goetz, S. J. and Rupasingha, A. (2007). Social and political forces as determinant of poverty: A spatial analysis, *The Journal of Socio-economics*, vol. 36, pp. 138-145.
- Gowdy, J. M. (1994), The Social Context of Natural Capital: The Social Limits to Sustainable Development, *International Journal of Social*

Economics, vol. 21 no. 8 pp. 43-55.

Woodhouse, A. (2006). Social capital and economic development in regional Australia: A case study, *Journal of Rural Studies*, vol. 22, pp. 22 83-94

- Hasan, M. (2010). The long-run relationship between population and per capita income growth In China, *Journal of Policy Modeling*, vol. 32, PP. 355-372.
- Iyer, S., Kitson, M. and Toh, B. (2005). *Social capital, economic growth and regional development*, Regional Studies, vol. 39 no. 8, pp. 1015-1040.
- Lang, R. and Roessl, D. (2011). *The role of social capital in the development of community-based cooperatives*, New Developments in the Theory of Networks, vol. 19, pp. 353-370.
- Nasrolahi Vosta, L. and Jalilvand, M. R. (2014). Examining the influence of social capital on rural women entrepreneurship: An empirical study in Iran, *World Journal of Entrepreneurship, Management and Sustainable Development*, vol. 10 no. 3, pp. 209-227.
- Okon, B., Nathan, E. and UBI, P. (2013). Social capital and economic growth opportunities: A case study of rural households in Obudu, Cross River State, Nigeria, *Global Journal of Human Social Science Economics*, vol.13 no. 2, pp. 13-16.
- Putnam, R. (2000). *The collapse and revival of American community*, New York: Simon and Schuster.
- Rupasingha, A., Goetz, S. J. and Freshwater, D. (2000). Social capital and economic growth: A county-level analysis, *Journal of Agricultural and Applied Economics*, vol. 32 no. 3 pp. 565-572.

- Sabatini, F. (2007). *The role of social capital in economic development*, Working Paper n. 43 Giugno.
- Sabatini, F. (2005). *The role of social capital in Economic development. Investigating the causal nexus through structural Equations Models*. University of Rome la Sapienza, Department of public Economics and SPES Development Studies Research centre, University of casino, Department of Economics.
- Shafia, M. A. and Shafia, S. (2012). a study of the relationship between sustainable social development and social capital (case study: residents of shemiran nou), *Journal of Allpied Sociology*, vol. 23, no. 2, pp. 139-164.
- Sullivan, B. A., Snyder, M., and Sullivan, J. L. (2008). *Cooperation the political psychology of effective human interaction*. Blackwell Publishing, pp. 219-230.
- Vanin, P. (2002). *Economic growth and social development*, Ph.D dissertation, Anno Accademico, Spain.
- Wang, Y. (2007). *A theory of social infrastructure and economic development*, Available at:
http://web.stanford.edu/group/peg/3_may_2007_papers/Yong_Wang.pdf
- Weaver, R. D. and Habibov, N. (2012). Social capital, human capital, and economic well-being in the knowledge economy: Results from Canada's General Social Survey, *Journal of Sociology & Social Welfare*, vol. 32 no. 2, pp. 31-53.
- Woolcock, M. (1998). *Social capital and economic development: Toward a theoretical synthesis and policy framework*, Theory and Society, vol. 27 pp. 151-208.
- Woolcock, M. (2005). *The Place of social capital in understanding social and economic outcomes*, ISUMA, vol. 2 no. 1, pp. 11-17.